

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1392/12/18



موضوع: ادله معفو بودن خون قروح و جروح در لباس نمازگزار
گفته شد که مسئله مورد اتفاق است و خلاقی وجود ندارد بلکه مورد اجماع و نصوص هم در حد استفاضه است.

قید سیلان در خون قروح و جروح و مشقت در آن
اما آنچه که مورد بحث است، این است که آیا عفو نسبت به این دو تا دم مطلق است یا مشروط به مشقت و سیلان؟ نصوصی که اطلاق داشت، بیان شد و گفته شد که در آن نصوص قیدی و اشتراطی دیده نمی شود.

اخبار دال بر اشتراط مشقت
گفته می شود که اخبار دیگری است در مقابل مطلقات که این اخبار اعلام می کنند مشقت شرط است و همچنین سیلان. بنابر این این اخبار به دو دسته است: دسته اول اخباری که دلالت دارد بر اشتراط مشقت و دسته دوم اخباری که دال بر اشتراط سیلان است.

مضمرة سماعه

اما از دسته اول مضمرة سماعه است. «قال سالت عن الرجل به الجرح و القرخ فلا يستطيع ان يربطه و لا يغسل دمه قال يصلی و لا يغسل ثوبه كل يوم الا مره»، امام فرمود در همان حالت نماز بخواند و هر روز ثوبش را تغسیل و تطهیر نکند. اما آنچه محل استشهاد است که امام می فرماید: «فانه لا. يستطيع ان يغسل ثوبه كل ساعة» [1]، که این مشقت است. بنابراین غسل و شستشو لازم نیست، چون توانش را ندارد. و چیزی که از قدرت و توان بیرون باشد، می شود مشقت و عسر و حرج. پس از این بیان استفاده می شود که در کلام امام علیه السلام آمده که مشقت شرط است در عفو. اما توضیحی در این متن که امام می فرماید: «لا. يستطيع ان يغسل كل ساعة»، منظور از این «كل ساعة»، «كل ساعة» زمان

نیست و طبعا مناسب نیست که چنین دستوری بیاید که اگر قروح و جروح دارد هر ساعت تطهیر کند و اگر هر ساعت نتواند تطهیر نکند، معفو است که چنین چیزی را هیچ کسی نگفته و مناسبتی ندارد. و ثانياً تطهیر و ازاله دم از بدن واجب نفسی نیست و برای صلاه است. برای صلاه که باشد، فقط سه نوبت می خواهد برای صبح، ظهرین، عشاءین. بنابراین منظور از «کل ساعه» با ظهور قرینه ای ظهور دارد به ساعت نماز.

انواع ظهور (حاقی، بدوی، ظهور قرینه ای)

(ظهور سه قسم است: 1. ظهور حاقی، که درجه یک از اعتبار است که از خود لفظ استفاده می شود برای اهل اصطلاح. مثلاً وقتی بگوییم آب بیاورید، ظهور دارد از این آب، آبی که برای شرب است و آب گل آلوده و آب آلوده نیست. از حاق لفظ آب استفاده می شود. 2. ظهور بدوی، این است که ابتداء و در تصور یک ظهوری دارد ولی بعد از که دقت کنیم و در تصدیق برسیم، ظهور از بین می رود. مثل این که بگوییم «اکرم العالم» ممکن است در ابتداء ظهور داشته باشد برای فقیه جامع الشرائط ولی در مرحله تصدیق که برسیم، می بینیم «اکرم العالم» اختصاص به فقیه ندارد، عالمی که متجزی باشد و درس حوزه بخواند، عالم دینی است. 3. ظهور به توسط قرینه که عمدتاً ظهور قرینه ای به وسیله قرینه تناسب حکم و موضوع به دست می آید.)

به قرینه تناسب حکم و موضوع، کل ساعه حمل بر اوقات نماز می شود چون تطهیر مناسبت دارد برای نماز. تناسب حکم و موضوع و با ظهور قرینه ای، «کل ساعه» ظهور دارد به ساعت وقت نماز.

سوال و جواب

سوال: اگر احتمال ظهور دیگری باشد؟

جواب: ظهور تا وقتی حجت است که ظهور مقابلی نداشته باشد. اما احتمال ظهور مقابل، تحقق ظهور مقابل نیست. احتمال ظهور مقابل خدشه ای به تحقق ظهور وارد نمی کند.

سوال: مشقت در هر چیزی به حسب آن است. ولی تا وقتی که این خون خوب نشده، تا چهار پنج روز هم می تواند نماز بخواند بنابراین شامل اوقات نماز می شود.
جواب: این ها قضایای حقیقیه است و هر کجا که موضوع بود، حکم آن می آید.

نقد و بررسی استدلال به روایت سماعه

بیان مرحوم آقای خویی در کم اعتباری روایت مضمهره فوق
سیدنا الاستاد [2] می فرماید: استدلال به این مضمهره برای اثبات مطلب کافی نیست. اولاً این روایت مضمهره است. مضمهره سماعه مثل مضمهره زراره و محمد بن مسلم نیست که شک نکنیم که غیر از امام نقل می کند و احتمال می دهیم. احتمال بدهیم که از یک فقیهی یا از یک راوی نقل کرده باشد، همان احتمال عقلایی کافی است.

کلمه لا یستطیع در کلام سائل است نه امام (ع)

و ثانیاً در این روایت می بینید که آمده است در متن «فلا یستطیع ان یربطه» و در کلام امام هم آمده «لا یستطیع ان یغسل ثوبه»، در این جا کلمه «لا یستطیع» مفروض سوال است. امام ابتداء این را بیان نکرده، سائل سوال می کند که این فرد «لا یستطیع»، امام می فرماید: الان که «لا یستطیع» پس برایش غسل و تطهیر لازم نیست. براساس مفروض سوال این کلمه «لا یستطیع» در کلام امام آمده و خود امام «لا یستطیع» را به عنوان شرط اعلام نکرده است.

مضمرة قابل معارضه با مطلقات نیست
و ثالثاً این مضمرة همانطوری که صاحب جواهر [3] می فرماید: قابل معارضه با مطلقات نیست. مطلقاتی است که بعضی از آن ها عابی از تقیید است نه مطلق متعارف که بگویید تقیید با مطلق تعارض نمی کند. بلکه از مطلقات عابی از تقیید است. در نتیجه از مضمرة چیزی به دست نیامد. و مضمرة اینطور معنا می کنیم که همان عفو مطلق است و «لا یستطیع» مفروض سوال بوده و مشقت باشد عفو است چون مشقت موضوع سوال بوده نه این که شرط باشد.

مورد مخصص نیست چون بیان نیست و عمل است و از ادله لبیه است
سوال: چون امام در مقام بیان بوده، می توانسته آن شرط را نیارد و مطلق بیاورد.
جواب: اگر بنا شود که امام علیه السلام طبق مفروض سوال بیان را اعلام بکند، این می شود تطبیق. یک نکته این است که مورد مخصص نمی شود، چون مورد، بیان نیست و عمل است. فقط برای خودش است و بیرون از محدوده خودش را کار ندارد نه اثباتاً و نه نفیاً.

مورد استثنائی مخصص واقع شدن مورد
اما یک صورت است که مورد مخصص می شود و آن جایی است که تطبیق باشد. اگر مسئله تطبیق بود، آن حکم نسبت به آن مسئله خاصی بیان شده. تطبیق آن است که امام حکم را بر اساس مفروض سوال بیان بکند. سوال یک خصوصیتی دارد و امام می فرماید سوال با این خصوصیات حکم آن این است که این حکم اختصاص به این مورد دارد.

سوال: اگر شک کردیم که تطبیق است؟
جواب: عدم تطبیق است. هر عنوان وجودی که برای خودش آثاری دارد، باید وجود آن محرز باشد و شک در وجود و تحقق آن مساوی با عدم آن است.

روایت دوم صحیحه محمد بن مسلم
اما روایت دوم در این باره مورد استدلال قرار گرفته است که عبارت است از صحیحه محمد بن مسلم، این صحیحه را ابن ادریس در مستطرفات سرائر از کتاب نوادر احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نقل کرده.

توضیح کتاب نوادر بزنطی

کتاب نوادر بزنطی درست و معتبر است و اگر رجالی روایت را از نوادر نقل بکند، همان نقل سند آن معتبر است. بنابراین سند معتبر است. در این صحیح آمده است «ان صاحب القرحة التي لا يستطيع صاحبها ربطها و لا حبس دمه يصلی و لا يغسل ثوبه فی اليوم اکثر من مره»، متن این روایت مثل متن قبلی است ولی این این «لا يستطيع» در کلام امام آمده و موضوع با قید بیان شده است برای کسی که نمی تواند آن دم را ببندد و نمی تواند از جریان آن جلوگیری بکند.

کلمه لا يستطيع در روایت محمد بن مسلم حمل بر مشقت شده است کلمه «لا يستطيع» مساوی با مشقت است و سند هم درست است و بیان هم بیان امام است. و آن اشکال روایت قبلی که مضمرة است و مشقت مفروض سوال است، نیست.

تحقیق مطلب

اما تحقیق این است که گفته می شود دلالت این روایت هم بر مطلوب کامل نیست.

اضمار در روایت محمد بن مسلم مشکلی ندارد
اولا این روایت هرچند مضمرة است ولی مضمرة محمد بن مسلم اشکالی ندارد، چون محمد بن مسلم و زراره و ابابصیر روایتی که نقل می کنند فقط از صادقین علیهما السلام نقل می کنند.

دلالت روایت فوق براساس قرائن باید به صورت عام مجموعی باشد
اما دلالت روایت که آمده «لا يغسل ثوبه فی اليوم اکثر من مره»، سید الحکیم [4] قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این مشقتی که از این روایت استفاده می شود، براساس قرائن باید مشقت من حیث المجموع باشد یعنی به شکل عام مجموعی که فردی که در متن گرفتاری اش با قروح اگر همیشه شستشو بکند روزی چند نوبت و در مجموع این مشقت دارد.

روایت جهت دارد

و بعد در آخر اعلام می کند: «لا يغسل ثوبه الا مره» که این روایت در جهت بیان وظیفه فرد گرفتار است. نه این که بگوید که مشقت شرط است در عفو. و مشقت اگر از «لا يستطيع» استفاده می شود، اشاره به این است که اگر هر روز چند نوبت شستشو بکند، می شود مشقت. پس روزی یک بار شستشو بکند مثل غسل مستحاضه. بنابراین روایت جهت آن بیان وظیفه برای فرد گرفتار است نه اعلام اشتراط. بنابراین این دو تا روایت دالالتش بر مشقت کامل نیست.

[1] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد 2، باب 22 از ابواب نجاسات، حدیث 2، ط اسلامیة.

- [2] التنقيح في شرح العروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خويي، جلد 3، صفحه 394.
- [3] جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفي، جلد 6، صفحه 104.
- [4] مستمسك العروه الوثقى، سيد محسن حكيم، جلد 1، صفحه 557.